

حیات

سید عبدالکریم بن طاووس

غلامرضا گلی زواره

چکیده

سید عبدالکریم بن طاووس، فقیهی از خاندان عالم پرور آل طاووس، از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام بود که در کربلا متولد شد و در بغداد به تحصیل پرداخت. او از محضر بزرگانی چون پدر و عمویش و نیز محقق حلی کسب فیض کرد. این عالم خوش اخلاق، فروتن و وارسته، افزون بر برخورداری از خردورزی و روحیه پژوهش، ادیب و شاعری توانمند بود و انساب علویان را به خوبی می شناخت. سید عبدالکریم بن طاووس آثار فراوانی به رشته تحریر درآورده که فرحه الغری بصرحه الغری معروفترین کتاب اوست. او در این کتاب، ضمن اثبات این که مرقد امام علی علیه السلام در غری (نجف کنونی) است، سبب پنهان ماندن مرقد حضرت طی حدود یک قرن را بررسی کرده است. این مقاله پس از معرفی آل طاووس و برخی دانشمندان این خاندان، به شرح حال سید عبدالکریم بن طاووس و استادان، شاگردان و آثار او پرداخته و ضمن معرفی معروفترین اثر او، فرحه الغری بصرحه الغری و دلیل نگارش آن، بخش هایی از این کتاب ارزشمند را آورده است.

واژگان کلیدی: سید عبدالکریم بن طاووس، آل طاووس، امام علی علیه السلام، نجف، فرحه الغری بصرحه الغری

شجره طیبه

خاندان طاووس یا آل طاووس و یا بنی طاووس یکی از شریف ترین و مشهورترین خاندان های دینی، علمی و اجتماعی حله بوده اند. اصل آنان از مدینه النبی است و به این دیار، کوچ کرده اند. سادات آل طاووس، علاوه بر موقعیت علمی و معنوی، در عراق از پایگاه سیاسی مهمی برخوردار بوده اند. این دودمان بزرگ از جانب پدر به حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از سوی مادر به امام زین العابدین علیه السلام می رسند؛ زیرا ام کلثوم، دختر والا گهر امام چهارم، مادر سلیمان بن داوود، فرزند حسن مثنی، جد اعلای آنان می باشد و حسن مثنی که در قیام کربلا جانباز گردید و در مدینه به شهادت رسید، فرزند برومند امام مجتبی علیه السلام می باشد.

نیای بزرگ این طایفه ی علوی، سید محمد، مشهور به طاووس، فرزند اسحاق، فرزند حسن، فرزند محمد، فرزند سلیمان، فرزند داوود و او فرزند حسن مثنی است و به دلیل حسن وجه، به طاووس ملقب شد و فرزندان و تبارش بعد از اقامت در عتبات عراق، به آل طاووس شهرت یافتند. بزرگان این خاندان علاوه بر مراتب دانش و تقوا، به دلیل پیوستگی به خاندان طهارت، از دوران اقامت در مدینه و بعد از آن در حله، مصر، کربلا و نجف اشرف، نقیب الاشراف و نقیب النقباء بوده اند و در این سمت بر امور سادات و علویان نظارت داشته، مسائل و مشکلات آنان را حل و فصل می کرده اند.^۱

اسحاق که نامش در سلسله نسب آل طاووس، پرتو افشانی دارد، سیدی بزرگوار، وارسته و اهل عبادت و تهجد بوده است و جد چهارم وی، داوود، نواده حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام،

برادر رضاعی امام صادق علیه السلام می باشد؛ زیرا مادرش فاطمه، دختر امام حسین علیه السلام و همسر حسن مثنی، صادق آل محمد را شیر داده است. امام ششم نیز اعمال ام داوود را برای رهایی داوود از زندان منصور عباسی، به آن بانوی بزرگوار تعلیم داده است.^۲

سید محمد طاووس در روزگار خود از عالمان و محدثان بود و مقام ریاست سادات علوی را در حله و سورا (اطراف حله) عهده دار بود و پس از او، این مقام به برجستگان خاندانش انتقال یافت. عنوان ابن طاووس به ابوالفضائل، احمد بن موسی و برادرش رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی، اختصاص دارد و هر جا در کتاب های فقه، رجال، حدیث، شعر، ادب و کلام به لفظ ابن طاووس بر می خوریم، به جمال الدین، ابوالفضائل احمد بن موسی تعلق دارد و هر وقت در کتاب های ادعیه و زیارت و اخبار اهل بیت و گزارش وقایع عاشورا، نامی از ابن طاووس یا سید بن طاووس یا سید به میان می آید، منظور، سید رضی الدین علی، برادر او و صاحب کتاب لهوف می باشد. محدث قمی، سید رضی الدین را مشهورترین افراد این خاندان معرفی می کند؛ ولی باید به این واقعیت توجه داشت که اهتمام و علاقه و تخصص رضی الدین غالباً به پژوهش در دعا، زیارت و روایت زندگی و شهادت اهل بیت علیهم السلام بوده است که در جای خود ارزشمند و خدمت بزرگی به فرهنگ تشیع می باشد؛ اما هرگز جامعیت و حسن قریحه و ذوق لطیف برادر خود، ابوالفضایل را نداشته است؛ زیرا وی در فقه و حدیث و تفسیر، تحولی به وجود آورده و در مباحث فقهی آن چنان پایگاه رفیعی به دست آورده که به فقیه اهل بیت، شهرت یافته و نامش در سلسله مشایخ روایی بسیاری از دانشمندان و راویان حدیث بعد از وی، دیده می شود و دیدگاه های فقهی او نیز ماخذ و مرجعی برای اهل فتوا می باشد.^۳ این شخص، والد سید عبدالکریم است.

نیای مادری

یکی از نیاکان سید عبدالکریم بن طاووس در سلسله نسب مادری، ورام بن ابی فراس، امیر زاهد و از فرزندان مالک اشتر نخعی، صحابی و سردار امیر مومنان علیه السلام می باشد. برخی منابع رجالی متقدم و نیز شرح حال نگاران معاصر، چنین برداشت کرده اند که این عالم فقیه، جد پدری سید عبدالکریم است؛ در حالی که اگر چنین ادعایی درست باشد، مسئله سیادت این خاندان، مورد تامل قرار می گیرد؛ زیرا نسب ابوالحسن ورام، این گونه است: ورام، فرزند

ابن فراس، فرزند ورام، فرزند حمدان، فرزند عیسی، فرزند ابی النجم، فرزند ورام، فرزند حمدان، فرزند خولدن و او فرزند ابراهیم، پسر مالک بن حارث اشتر نخعی^۴ است. شیخ منتجب الدین در فهرست خود می‌نویسد: «ورام، دانشمندی فقیه و صالح بوده است و من او را در شهر حله ملاقات کرده‌ام».^۵ شیخ حر عاملی نیز می‌نویسد: «آن شیخ جلیل القدر، حدیث و وعظ را از محضر سدید الدین محمود حمصی، صاحب تعلیقات عراقی و از مشاهیر بزرگ زمان خود و دیگر علمای شیعی، آموخته است. این بزرگوار، جد مادری سید بن طاووس است و کتابی به نام تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (معروف به مجموعه ورام) نوشته است».^۶

سید بن طاووس می‌نویسد:

جدم ورام (قدس الله جل جلاله روحه)، از کسانی بود که مردم اخلاق و رفتارش را در زندگی، اسوه خود قرار می‌دادند. وی وصیت کرد که بعد از مردن در میان دهانش نگین عقیقی را که اسامی ائمه علیهم‌السلام بر آن منقوش باشد، قرار دهند و من بر نگین عقیقی این عبارات را حک کردم: الله ربی و محمد نبی و آن‌گاه اسامی ائمه علیهم‌السلام را یک یک نقش کردم.^۷

یکی از سخنوران عرب در شعری او مدح گفته که ترجمه اش چنین است:

ورام، اقیانوسی است که نظیر او نیامده است. در هر اقیانوس او، هفت دریاست. روزگار سوگند یاد کرده بود که مثل وی را بیاورد. ای روزگار! قسم خود را شکستی؛ پس کفاره بده.^۸

پدر عالم و عابد

سید بن طاووس رضی الله علی سه برادر داشت؛ یکی شرف الدین ابوالفضل محمد که در سقوط بغداد توسط مغولان در سال ۶۵۶ هجری کشته شد و اعقابی از خود بر جای نهاد. برادر دیگرش سید عزالدین حسین، دو سال قبل از این واقعه، به مرگ طبیعی درگذشت که فرزندی از خود بر جای نهاد؛ اما سومین برادر او فقیه زاهد و ادیب عابد، جمال الدین ابوالفضایل احمد نام داشت که در عرصه فقاهاست گوی سبقت را از دیگر برادران خود ربود و در این دانش نقلی، جایگاه رفیعی را به خود اختصاص داد. به نظر می‌رسد که تقسیم

چهار گانه حدیث به صحیح، حسن، موفق و ضعیف در فرهنگ تشیع، توسط جمال‌الدین احمد مطرح گردید و به دست شاگرد شایسته‌اش علامه حلی تشریح گردید.^۹ وی همراه برادرش در حوزه درسی نجیب‌الدین ابن نما و سید فخر موسوی شرکت کرد و از دانش آن دانشوران، بهره برد و به اجازه روایتی از آنان نایل آمد.^{۱۰}

ابن داوود حلی یکی از شاگردان وی می‌گوید:

مجموعه آثار وی به هشتاد و دو جلد بالغ می‌گردد. او علم رجال، روایت و تفسیر را چنان محققانه مورد بررسی قرار داده است که مزیدی بر آن متصور نمی‌باشد. مرا تربیت کرد و آموزش داد و به نیکی در باره‌ام عنایت داشت. خدا بهترین پاداش محسنین را به ایشان عنایت فرماید.^{۱۱}

شیخ محمد بن حسن معروف به حر عاملی (متوفای ۱۱۰۴ ق.) در معرفی این شخصیت نوشته است: سید جمال‌الدین احمد بن موسی بن محمد علوی حسنی، عالم فاضل شایسته، وارسته عابد و پارسا و پرهیزگار، فقیه محدث محقق، ثقه شاعر، جلیل‌القدر و... از استادان علامه حلی و ابن داوود است. شهید ثانی در اجازه‌ای که برای شیخ حسین فرزند عبدالصمد عاملی (والد شیخ بهایی) صادر کرده است، برخی آثار این دانشور را فهرست کرده است که یکی از آنها کتاب «حل الاشکار فی معرفه الرجال» می‌باشد.^{۱۲}

علامه بحرانی می‌نویسد:

جمال‌الدین ابوالفضایل، احمد، برادر سید رضی‌الدین علی بن طاووس است... شهید ثانی گفته است نسخه‌ای از کتاب حل الاشکال در دانش رجال به خط مبارکش نزد من موجود می‌باشد و بزرگی گفته است این اثر را سید احمد به سبک اختیار رجال الکسی، شیخ طوسی، تالیف کرده است و شیخ حسن، صاحب معالم، فرزند شهید ثانی آن را تحریر نموده که به تحریر طاووسی موسوم کرده است.^{۱۳}

سرانجام، این فقیه و الامقام در ۶۷۳ هجری به سرای باقی شتافت و پیکرش در محله جباوین حله دفن گردید؛ محله‌ای که بعدها به نام او، محله ابوالفضایل، نامیده شد. این مکان، قرن‌ها زیارتگاه و مورد احترام و حتی تقدیس اهالی بوده است. در سال ۱۳۷۷ هجری، شخص نیکوکاری که حاج عبدالرزاق مرجان نام داشت، به تعمیر و بازسازی این مرقد

اقدام نمود و آن را به صورت زیارتگاهی با شکوه در آورد. در جوار بارگاه مزبور کتابخانه امام صادق تاسیس گردید که مورد استفاده علاقه‌مندان می‌باشد و به منظور تکریم مقام این بزرگوار و جاوید نگاه داشتن یاد سید احمد بن طاووس، خیابانی و مرکزی آموزشی در حله، به نام ابوالفضایل، نام گذاری شده است.^{۱۴}

زندگی و تحصیلات

در شعبان ۶۴۸ هجری، خداوند به سید احمد، فرزندی عنایت کرد که او را عبدالکریم نامید. او این افتخار را به دست آورد که تولدش در شهر کربلا رخ بدهد. وی بعدها به دلیل فضایل و مکارمی که به دست آورد و نیز توفیقاتش در علم و معرفت، به غیاث الدین ابوالمظفر عبدالکریم معروف شد. وی در حله به شکوفایی رسید و درس خواندن و طی مراتب علمی را در شهر بغداد پی گرفت. اولین مربی و استادش، پدرش ابوالفضایل احمد و عمویش سید رضی الدین علی، مولف کتاب اقبال می‌باشد و سید عبدالکریم از این دو بزرگوار، روایت نقل کرد. مبانی ادبیات عرب را از عالم اهل سنت شیخ حسین بن ایاز، ادیب معروف به بدر ادیب که از مشایخ علامه حلی هم بوده است، فرا گرفت و علامه هم در برخی اجازات خود به این استاد خود اشاره کرده است. او در یکی از اجازات خود که برای این زهره صادر کرده است، می‌نویسد: حسین فرزند ایاز در علوم و ادبیات عرب، اعلم از معاصرین خود بوده است. میرزا عبدالله افندی اصفهانی خاطر نشان می‌سازد که اجازه‌ای را که شیخ حسین به سید عبدالکریم داده، در پشت کتاب مفصل زمخشری دیده‌ام و او همین کتاب را نزدش خوانده است.^{۱۵}

یکی از قله‌های رفیع در حکمت، ریاضیات و اخلاق، خواجه نصیرالدین طوسی است که در علوم عقلی و نقلی تالیفات فراوان دارد. او دانشمندان وارسته و فرزانه در روزگار خود بود و در معارف و فنون گوناگون علمی و ادبی، تبحر داشت و هر طالب علمی را به اندازه استعداد و ظرفیتش از چشمه خروشان حکمت و کمالات خود بر خوردار می‌ساخت. سید عبدالکریم این توفیق را داشت که در برابر چنین ستاره‌ فروزانی، زانوی ادب بر زمین زند و از دانش او در معقول و منقول، استفاده کند و از محضرش اجازه روایی دریافت دارد که در برخی نوشته‌های خود به این موضوع اشاره کرده است.^{۱۶}

شخصیت دیگری که سید عبدالکریم از پرتو علم و اندیشه او، استفاده کرد، ابوالقاسم جعفر حلی، معروف به محقق حلی است؛ عالمی که در حوزه حله، نبوغ و توانایی علمی خود را آشکار ساخت و محضر بزرگانی چون نجیب الدین محمد بن نما حلی، نجم الدین ابن زهره حلی و سید فخار موسوی را درک کرده بود و خود نیز به تدریس معارف و علوم اسلامی همت گماشت. سید عبدالکریم تنها از دانش این دانشور، بهره نبرد؛ بلکه از کرامت‌های اخلاقی وی، درس‌های عملی آموخت و از روش زندگی و ساده‌زیستی و وارستگی محقق حلی، الگو گرفت. رابطه محقق حلی با وی به درس و بحث منحصر نمی‌گردید؛ بلکه استاد همچون پدری مهربان، به امور این شاگردش رسیدگی می‌کرد؛ زیرا محقق حلی با ذکاوت و فراستی که داشت، احساس کرد سید عبدالکریم از استعداد سرشار و هوش فوق العاده‌ای برخوردار است و در دریافت مطالب و مباحث، علاقه، اهتمام و سعی وافر از خود نشان می‌دهد. از این رو، به او توجه می‌کرد و در موقعیت‌های مناسب، در تشویق و تحسین او می‌کوشید. اصولاً محقق حلی در تربیت و پرورش شاگردانی می‌کوشید که قادر باشند بار سنگین ترویج و نشر فرهنگ و علوم اسلامی را به عهده گیرند و این مجموعه گرانقدر را به نسل‌های بعدی، تحویل دهند.^{۱۷}

سید عبدالکریم در حوزه بغداد و حله نیز از محفل پر فیض یحیی بن سعید، مفید الدین بن جهم، سید عبدالمجید بن سید فخار موسوی حائری فیض برد و در مدت کوتاهی، نابغه روزگار و نادره دوران خود گردید.^{۱۸}

تدریس و تربیت شاگردان

سید عبدالکریم وقتی به قله رفیع فقاقت، دریانت و دیگر معارف تشیع دست یافت، حوزه درسی پر بار و با ارزشی تشکیل داد و برخی شخصیت‌های آن عصر از محضر پر فیض او استفاده کردند که یکی از آنها حسن فرزند علی، فرزند ابی داوود حلی است. وی که از درس پدر سید عبدالکریم، سید احمد محقق حلی و ابن سعید حلی نیز استفاده کرده بود، به این استادان اکتفا نکرد و با این که سید عبدالکریم با وی از نظر سنی، تفاوت آن چنانی نداشت، ولی آن چنان این مربی عالیقدر در علم و معرفت پرتو افشانی داشت که ابن داوود را به خود جذب کرد و از این دوست دانشمند خود، فیض برد. ابن داوود در کتاب رجال

خود این مربی خود را چنین معرفی کرد:

سید عبدالکریم طاووسی حسینی، سید بزرگوار ما، عروضی زاهد عابد، ابوالمظفر قدس الله روحه، از زمان کودکی تا هنگام رحلت او، در خدمتش بودم. نه قیل و نه بعد از وی، کسی را در اخلاق حمید و اعتدال حسن معاشرت، هوش و نیروی حافظه، مانند وی ندیدم. چیزی وارد ذهن او نگردید که از یادش برود. قرآن کریم را در حالی که یازده ساله بود، در اندک مدتی به حافظه سپرد و بدین گونه، حافظ کلام وحی گردید. چون به نگارش روی آورد، در مدت چهل روز از مربی و استاد خط بی‌نیاز گردید.^{۱۹}

حسن بن داوود حلی مذکور علاوه بر رجال که به رجال ابن داوود موسوم است، تالیفات متعددی دارد. این بزرگوار معاصر علامه حلی می‌باشد و در سال ۷۱۵ هجری وفات یافت.^{۲۰} ابن فوطی بغدادی، دانشمند اهل سنت خوشه چین خرمن معرفت و دانش سید عبدالکریم بوده است. وی استاد عالیقدر را چنین می‌ستاید:

او دانشمندی جلیل القدر و پر آوازه استف حافظ قرآن مجید بود، من در میان استادانم، در تاریخ و شرح حال گذشتگان، احادیث، اخبار و متون ادبی و اشعار، کسی را بهتر از او در حفظ و از بر داشتن مطالب متنوع، ندیدم. مطالب گوناگون علمی فراوانی فراهم آورد و آنها را به رشته نگارش و تالیف در آورد. در علم و کمالات بسیاری از علما شریک و منزلت محل اجتماع بزرگان دانشمندان و اشراف بود. نویسندگان، افراد صاحب نفوذ و برخی فرمانرویان و حکام از انوار دانش و فکر استوارش، فیض می‌بردند. من موفق گردیدم کتاب الدر التنظیم فی ذکر من تسمی بعبد الکریم، را برای کتابخانه او تالیف کنم.^{۲۱}

شیخ کمال الدین ابوالحسن علی بن شیخ شرف الدین حسین بن حماد بن ابی الخیر لیشی واسطی که خود از مشایخ سید تاج الدین محمد بن معید بوده، بنا به نوشته ابن ابی جهور در غوالی اللثالی به معاصر سید عبدالکریم بن طاووس رسیده و از وی اجازه روایت دریافت کرده است.

کمال الدین مذکور، همان است که شیخ نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن هبه الله بن نما حلی از او روایت می‌کند و هموست که صحیفه کامله سجادیه را از شیخ نجیب الدین یحیی بن سعید حلی روایت کرد و شیخ شهید با واسطه‌ای این کتاب شریف را از او

روایت کرد؛ چنان که آن شهید والامقام در یکی از اسانید احادیث اربعین خود می‌نویسد: خبر داد به ما در هنگام قرائت بر او، سید شمس الدین ابو عبدالله محمد موسوی از شیخ امام فقیه صدوق زاهد، کمال الدین ابوالحسن علمی لیثمی واسطی از شیخ فقیه صالح شمس الدین ابوجعفر محمد بن صالح قینی.^{۲۲}

شیخ عبدالصمد فرزند احمد فرزند عبدالقادر فرزند ابی الجیش از فضلا، علما و فقها و از مشایخ فاطمه دختر شیخ محمد بن احمد بن عبدالله خادم عکبری نیز به محضر سید عبدالکریم راه یافته، از کمالات علمی و معنوی وی فیض برده است.^{۲۳}

اقیانوس فضل و فضیلت

سید عبدالکریم عالمی است بلند مرتبه، بسیار خوش اخلاق، فروتن و در حسن معاشرت و روابط اجتماعی، ممتاز و در وارستگی و سایر فضیلت‌ها و کرامت‌های اخلاقی به کمالاتی دست یافته بود. وی در دانش‌های ادبی چون نحو و عروض، ماهر بود و سرآمد سادات معاصر خویش به شمار می‌آمد و انساب علویان را به خوبی می‌شناخت و درباره طوایف و خاندان‌های علمی، آگاهی‌های مفیدی داشت و به دلیل همین توانایی‌ها، نقایط علویان را در روزگار خویش بر عهده داشت.^{۲۴}

تمامی علمای رجال نگار، محدثان و مورخان که درباره این بزرگوار سخن گفته‌اند، او را به چنین اوصاف و خصال برجسته‌ای توصیف کرده‌اند. استادش ابن سعید حلی در اجازه‌ای که برای شاگرد خود سید عبدالکریم بن

ابن فوطی بغدادی، دانشمند
 اهل سنت خوشه چینی
 خرمن معرفت و دانش سید
 عبدالکریم بوده است.

طاووس نگاشته و متن آن در پشت نسخه‌ای از معالم العلماء، اثر ابن شهر آشوب مازندرانی ضبط گردیده، وی را این گونه ستوده است:

سید امجد، دانشمند مسدد، فقیه محقق، فاضل بسیار دقیق، جامع علوم و حاوی انواع فضایل، شیخ شیعیان، صدر شریعت، مفتی فرقه‌های مسلمانان، دارای نسب ریشه دار، طیب و طاهر، خلق و خوی پسندیده و خصال ستوده. صاحب امل الامل در شرح حال ابن سعید حلی به این اجازه اشاره کرده و محقق معاصر، سید محمد صادق بحر العلوم ذیل شرح حالش در کتاب لولو البحرین، در پاورقی این اثر، می‌نویسد: من این اجازه را دیده‌ام و ابن سعید آن را در سال ۸۶۸ هجری صادر کرده است.^{۲۵}

شیخ حر عاملی در معرفی او نوشته است: سید عبدالکریم علوی حسنی، غیاث الدین فقیه، نسابه نحوی عروسی، امام معظم، زاهد عابد، سیدنا ابوالمظفر قدس الله روحه که ریاست سادات را عهده دار بود. او شاعری منشی و ادیب به‌شمار می‌رود.^{۲۶}

فاضل صالح و رجال نگار عصر، محمد بن علی اردبیلی غروی حائری در وصف این دانشور نوشته است: عبدالکریم فرزند احمد، فرزند موسی، فرزند جعفر، فقیهی است که ضمن مهارت در نسب شناسی و شناخت طوایف علوی و غیر آن، در ادبیات عربی [نحو و عروض] تبحر داشت و این ویژگی‌ها را با زهد و عبارت و ذکر، جمع کرده بود.^{۲۷}

سید مصطفی حسینی تفرشی از اعلام قرن یازدهم هجری، ذیل عبدالکریم بن طاووس به توصیف کمالات علمی و اخلاقی، زکاوت و فراست وی پرداخته و به معرفی آثارش پرداخته است.^{۲۸}

نگاشته‌های نورانی

مشهورترین اثری که سید عبدالکریم بن طاووس به رشته نگارش در آورده، کتابی است با عنوان فرحه الغری بصرحه الغری که درباره تاریخ و جغرافیای محل دفن حضرت علی علیه السلام با استناد به روایات معصومین علیهم السلام، یافتن معادل کامل پارسی برای معنا کردن نام کتاب، دشوار به نظر می‌رسد؛ اما آن چه از دو معنای گوناگون و قریب به هم به دست می‌آید، آن است که اولی در این عنوان، صفتی است جانشین موصوفی عام به معنای شریف و نیکو و دومی در همین عنوان، صفتی است برای بنایی خوب، استوار و با جاذبه که غریبان دو دنیای مشهور

در حوالی کوفه بوده‌اند و فرجه، همان مزدگانی است که موجب شادمانی و سرور آدمی می‌گردد و صرحه ساخت منزل و محل بروز هر چیزی می‌باشد و بنابراین، معنای عنوان کتاب، این است: مزدگانی هر انسان با حسن و شرف در ساحت آشکار بنا (بارگاه) جذاب نجف اشرف. سید عبدالکریم در این نوشتار کوشیده است آثار و اخبار و مستندات را که موید دفن پیکر مقدس حضرت علی علیه السلام در نجف اشرف است، تدوین کند. این کتاب شامل دو مقدمه و پانزده باب است. مقدم یکم در بیان این است که مدفن امام علی علیه السلام در غری واقع است. مقدمه دوم در ذکر مخفی سازی مرقده می‌باشد. در باب‌های اول تا یازدهم، مولف روایاتی را به نقل از بنی اکرم علیهم السلام و ائمه علیهم السلام از حضرت علی علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام آورده است و در باب‌های دوازدهم تا چهاردهم، مطالبی از زید شهید، منصور و رشید عباسی و جماعتی از بنی هاشم و عده‌ای از علما، در این باره ذکر گردیده است. باب پانزدهم به ذکر کراماتی اختصاص یافته که در جوار بارگاه امیرمنان علیه السلام رخ داده‌اند.

شیخ آقا بزرگ تهرانی ضمن معرفی این اثر و فهرست مندرجات آن، می‌نویسد: نسخه‌ای از آن را به خط ملا باقر شوشتری (عالم معاصر شیخ آقا بزرگ تهرانی) دیدم که بر آن تذییل و تکمله‌ای نیز نوشته است و بعد از خاتمه باب پانزدهم، باب شانزدهمی به این کتاب اضافه کرده که در نوادر معجزات امیر مومنان علیه السلام به نقل از خرایج قطب راوندی که این مطالب اضافه شده، کاملاً مشخص است

◆ سی‌د مصطفی حسی‌نی تفرشی
از اعلام قرن یازدهم هجری،
ذیل عبدالکریم بن طاووس
به توصیف کمالات علمی و
اخلاقی، زکاوت و فراست وی
پرداخته و به معرفی آثارش
پرداخته است.

و خواننده خود متوجه می‌گردد و جزء کتاب نمی‌باشد؛ بلکه ملحقاتی به مناسبت مقام امام است با امری در خور و مناسب آن.^{۲۹}

قاضی نور الله شوشتری در کتاب ارزشمند مجالس المومنین ذیل عنوان نجف اشرف، نوشته است: وسید اجل مرضی، رضی الدین علی بن طاووس در آن باب کتابی است موسوم به فرحه الغری فی فضل ساکن الغری که اگر خواهند به آن جا رجوع نمایند.^{۳۰}

علامه محمد باقر مجلسی آن چنان اعتبار و درجه‌ای برای فرحه الغری قایل بود که در تالیف کتاب گران قدر بحار الانوار، آن را در زمره مصادر خود قرار داد^{۳۱} و چون مشاهده کرد این نوشتار حاوی مطالب مفیدی برای خوانندگان می‌باشد، آن را به فارسی برگذاند؛ تا علاقه مندان فارسی زبان بتوانند از مطالب آن بهره‌مند گردند و این کار هنگامی توسط علامه مجلسی صورت گرفت که زبان علمی و رسمی در جهان اسلام و حوزه‌های علوم دینی، زبان عربی بود و این، نشانه توانایی علمی و دانشوری مولف به شمار می‌رفت. از سویی فارسی نگاری برای بزرگان چون علامه مجلسی، کاری سهل و ساده نبود و علاوه بر این، کسی که آثاری به زبان عربی می‌نگاشت، ضمن این که اعتبار علمی خود را تقویت می‌کرد، این امکان را فراهم می‌ساخت که افراد بیشتری از نوشته‌های وی استفاده کنند. در چنین فضایی، آن فقیه محدث، نیاز عصر خود را درک کرد و رسالت خود را در شکوفایی افکار و اندیشه‌ها و بالا بردن میزان آگاهی شیعیان شناخت و به فارسی نویسی، اقبال نشان دارد.^{۳۲}

حکمت تالیف کتاب فرحه الغری

حضرت علی علیه السلام، امیر مومنان و پیشوای پرهیزگاران، در غری که امروز به نجف اشرف معروف است، دفن گردید و طبق وصیت آن حضرت، مرقدش از نظرها مخفی گردید؛ تا مورد اهانت دشمنان امام قرار نگیرد. حضرت به فرزند ارشد خود، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام وصیت کرده بود که چهار صورت قبر برای محل دفن پیکرش حفر کند؛ مسجد کوفه، غری یعنی همین نجف کنونی، خانه جعده بن هبیره و رجه که محله‌ای در شهر کوفه بود؛ زیرا آن وجود مبارک از این واقعیت تلخ آگاه بود که دشمنان از هیچ کاری حتی شکافتن قبرش امتناع نمی‌کنند و فرزندان و بستگان و علاقه‌مندان به آن حضرت برای جلوگیری از این بی‌حرمتی‌ها، در برابر مخالفان می‌ایستند و در نتیجه، اختلاف و آشوب و

فرحة الغمري

في نعيين قبر

امير المؤمنين علي بن ابي طالب عليه السلام

في النجف

تأليف

التعيب نجاة الدين السيد عبد الكريم بن طاووس

المنوف سنة ٦٩٣ هـ

منشورات الرنتی

طهر - ایران

خونریزی در جامعه اسلامی به وجود می آید. پیش‌بینی امام، درست بود؛ زیرا در دوران امارت حجاج بن یوسف ثقفی بر کوفه و توابع، حدود سه هزار قبر برای یافتن مرقد امام علی علیه السلام نبش گردید؛ ولی آنان موفق به کشف محل دفن مولای پارسایان نشدند.^{۳۳}

مرقد شریف بزرگ‌ترین فداکار صدر اسلام، تا پایان حکومت بنی‌امیه، مخفی بود و در این دوران، شیعیان خاص و مورد اعتماد با راهنمایی ائمه علیهم السلام مخفیانه به زیارت آن مرقد مقدس می‌رفتند. با سقوط این سلسله منحوس، مقداری از توطئه‌هایی که بر ضد خاندان عصمت و طهارت، انجام می‌گرفت کاسته شد و کم‌کم عده‌ی زیادتری از محل دفن امیر مومنان علیه السلام آگاه شدند و با انتشار اخبار زیادی از زبان ائمه علیهم السلام درباره‌ی موضع شریف، علویان، سادات و شیعیان به مکان کنونی روی می‌آوردند و مرقد حضرت را زیارت می‌کردند؛ تا آن که در عصر امام کاظم علیه السلام به‌طور کامل آن مرقد مبارک آشکار گردید.

با وجود این که محل دفن آن حضرت مورد تایید ائمه علیهم السلام قرار گرفته بود، ولی عده‌ای با نشر اکاذیب و ترویج شایعات، می‌خواستند در این باره تردیدهایی را در جامعه به وجود آورند. برخی می‌گفتند: امام در مسجد کوفه دفن است و عده‌ای می‌گفتند که پیکر آن حضرت را در دارالاماره که محل اقامت کافران، ظالمان و خائنان بود، به خاک سپرده‌اند. سید عبدالکریم بن طاووس مشاهده کرد هنوز فضای تردید در جامعه، آشفتگی‌هایی به وجود آورده است و عده‌ای می‌خواهند حقایق را دگرگون سازند، قلم به دست گرفت و با تالیف کتاب فرحه الغری، ثابت کرد که مرقد امام علی علیه السلام در غری (نجف کنونی) می‌باشد. وی در مقدمه این اثر نوشت: غری، همین موضعی است که اکنون مرجع عالمیان است و آن حضرت را در آن جا زیارت می‌کنند.

آثار دی‌گر سید عبدالکریم بن طاووس

همان‌گونه که اشاره کردیم، معروف‌ترین اثر این فقیه دانشور، کتاب فرحه الغری است؛ ولی وی آثار دیگر هم دارد که پرتو نوشتار مذکور در حاشیه قرار گرفته‌اند. ابن داوود در رجال خود می‌نویسد: سید ما آثاری دارد از جمله الشمل المنظوم فی مصنفی العلوم و بعد می‌افزاید: این اثری است که تالیف آن در میان اصحاب ما بی سابقه است.

متأسفانه این کتاب گران‌قدر تا کنون یافت نشده است؛ ولی از نام و توصیفی که ابن

داوود از آن ارائه می‌دهد، آشکار است که اثر مذکور فهرست گونه‌ای در علوم و فنون گوناگون بوده است و اگر در دسترس بود، بسیاری از حقایق درباره تالیفات دانشوران، روشن می‌گردید. شیخ آقا بزرگ تهرانی ذیل معرفی آن از خداوند می‌خواهد ملاحظه این کتاب را رزق و روزی او قرار دهد؛ تا از مندرجاتش استفاده کند.^{۳۴}

وی بر دعای سمات حاشیه‌ای نگاشته که نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

کتاب دیگرش الحواشی علی‌المجدی، در علم انساب است که سید حسون براقی، مؤلف تاریخ کوفه از آن استفاده کرده است؛ چنان که ابن طاووس در این اثر از کتاب البیان و التبین فی‌المناسب آل ابی طالب، تصنیف ابی محمد حسن بن عبدالله طالبی جعفری بهره برده است.

کتاب الاجازات در زمره تالیفات سید عبدالکریم است که مؤلف ریاض العلماء تصور کرده است این اثر نوشته عموی او، سید رضی الدین علی است؛ در حالی که به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی، کتاب الاجازات سید بن طاووس، هویتی غیر از کتاب الاجازات فرزند برادرش دارد و نام کامل آن «الاجازات لکشف طرق المفازات فیما یحصی» می‌باشد.^{۳۵}

فرزندان

سید عبدالکریم شاخه‌ای از شجره طایفه آل طاووس است که علاوه بر پیوستگی به خاندان طهارت از لحاظ نسبی، به دلیل نبوغ علمی و همت فوق‌العاده، بر افتخار خاندان خود افزود. فرزندان وی عبارت بودند از:

۱. سید رضی الدین ابوالقاسم علی؛ او فاضلی جلیل و بزرگوار بوده و با عموی خود هم لقب بوده است و این گونه نام‌گذاری در میان طوایف عراق عرب، متداول بوده است. در پشت نسخه‌ای از کتاب المجدی اجازه‌ای از سید عبدالحمید بن فخار موسوی، درج گردیده که مؤلف ریاض العلماء آن را دیده است. سید این اجازه را برای سید عبدالکریم و فرزندش سیدرضی الدین ابوالقاسم علی، مرقوم داشته است.
۲. ابوالفضل محمد بن غیاث الدین؛ سید عبدالکریم در پشت کتاب الملاحم و الفتن نوشته است: فرزند مبارک قدم، ابوالفضل محمد بعد از طلوع آفتاب روز دوشنبه سلخ

الحرام سال ۶۷۰ هجری در بغداد متولد گردید. خداوند او را وسیله برکت و این نام را جدش - که خدا او را پایدار بدارد - برایش مقدر داشته است. صاحب ریاض می نویسد: نمی دانم او در زمرة علما بوده است یا خیر.^{۳۶}

رحلت و محل دفن

سرانجام، این عالم بزرگوار در حالی که ۴۵ سال و دو ماه از سنش می گذشت، در روز شنبه شانزدهم شوال ۶۹۳ هجری در شهر کاظمین، به سرای باقی شتافت و بازماندگان و علاقه مندان او را سوگوار ساخت. پیکرش با غرت خاصی به نجف اشرف انتقال داده شد و در جوار مشهد علوی در کنار سایر علمای خاندان آل طاووس، دفن گردید.^{۳۷} برخی نیز محل دفن وی را مدینه، برخی کنار مسجد کوفه و برخی در حله، ذکر کرده اند.^{۳۸}

ابن فوطی محل دفنش را نجف ذکر کرده است؛^{۳۹} اما در نزدیکی تربت عمویس سید علی بن طاووس، در جنوب حله، مرقدی منتسب به سید عبدالکریم می باشد که دارای گنبد و بارگاهی است و مردم به زیارتش می روند و از روح بلندش استمداد می جویند.^{۴۰}

پی نوشت ها:

۱. لؤلؤ البحرين، علامه بحرانی، ص ۲۴۴، عمده الطالب فی المناقب آل ابی طالب، ابن عنید، ص ۱۵۶ - ۱۵۷، منتهی الامال، محدث قمی ح اول، ص ۴۷۶
۲. دائرة المعارف تشیع، ج اول، ص ۳۴۱.
۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۴؛ ماخذ قیل، ص ۳۴۲، ریاض العلماء، میرزا عبدالله اصفهانی، ترجمه محمد باقر ساعدی، ج ۶، ص ۱۸۷ - ۱۸۶، مفاخر اسلام، علی دوانیف ح ۴، ص ۵۸ - ۵۹.
۴. الانوار الساطعه فی المائه السابعة، شیخ آقا بزرگ تهرانی، ص ۱۹۷.
۵. فهرست اسما علما الشیعه و مصنفیهم، ص منتخب الدین ابن بابویه، ص ۱۹۵ - ۱۹۶.
۶. امل الامل، شیخ حر عاملی، ج ۲، ص ۳۳۸ - ۳۳۹.
۷. مجموعه و رام، و رام بن ابی فراس، ترجمه محمد رضا عطایی، ج اول، مقدمه مترجم، ص ۱۱ به نقل از کتاب فلاح السائل سید بن طاووس، روضات الجنات، ج ۴، ص ۲۳۷.

۸. مجموعه و رام، ج اول، مقدمه، ص ۱۲.
۹. الذریعه الى تصانيف الشیعه، ج ۳، ص ۳۸۵؛ ج ۷، ص ۶۴، همان ماخذ، ص ۲۴۱.
۱۰. لولو البحرین، ص ۲۴۲، پاورقی سید محمد صادق بحر العلوم، مراد المعارف، محمد حرز الدین، تحقیق محمد حسین حرز الدین، ج اول، ص ۱۱۲، گنجینه دانشوران، احمد رحیمی، ص ۱۰۶.
۱۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۰۶، دائرة المعارف بزرگ اسلام، ج ۲، ص ۵۵.
۱۲. سرگذشت و عقاید فلسفی خواجه نصیر طوسی، محمد مدرسی زنجانی، ص ۸۱ - ۸۲، خواجه پژوهی، گروهی از نویسندگان، ص ۱۸ - ۱۹؛ احوال و آثار خواجه نصیر طوسی، سید محمد تقی مدرس رضوی، ص ۲۱۰، ۲۱۹.
۱۳. اعیان الشیعه، ج ۴، ص ۹۱، روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۳، فقهای نامدار شیعه، ص ۱۳۱.
۱۴. روضات الجنات، ج ۵، ص ۳۳، محقق حلّی، محمد رحیم بیگ محمدی، ص ۴۲.
۱۵. رجال ابن داوود، ص ۲۲۶.
۱۶. علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص ۶۸، فواید الهنویه، ح اول، ص ۱۸۹.
۱۷. تلخیص مجمع الاداب فی معجم الالقاب، عبدالرزاق ابن فوطی بغدادی، ج ۴، ص ۱۱۹.
۱۸. ریاض العلماء و حیاض الفضلاء، ح ۳، ص ۵۰۰ - ۵۰۱.
۱۹. همان ماخذ، ص ۱۵۶؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۳۴۱.
۲۰. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ح ۲، ص ۵۵، گنجینه دانشوران، ص ۱۰۸ - ۱۰۹، قم شناسی، گروهی از نویسندگان، مجلد اول، ص ۶۵۳.
۲۱. لولو البحرین، پاورقی سید محمد صادق بحر العلوم، ص ۲۶۲، امل الامل، ح ۲، ص ۱۵۲.
۲۲. امل الامل، ج ۲، ص ۱۵۸.
۲۳. جامع الرواه، حاج محمد اردبیلی حائری غروی، ج اول، ص ۴۶۳.
۲۴. نقد الرجال، تفرشی، ص ۱۹۱.
۲۵. الذریعه، ج ۱۶، ص ۱۵۹ - ۱۶۰، دائرة المعارف تشیع، ج ۱۲، ص ۲۵۴ - ۲۵۵.
۲۶. مجالس المومنین، قاضی نور الله شوشتریف ج اول، ص ۵۷، فواید الرضویه، ج اول، ص ۴۰۷.
۲۷. بحار الانوار، ج اول، ص ۱۳.
۲۸. کتاب ماه (تاریخ و جغرافیا)، ش ۳۷ - ۳۸، آذر سال ۱۳۷۹، ص ۲۷؛ علامه مجلسی، حسن طارمی، ص ۸۹ - ۹۱.
۲۹. الرضاد فی معرفه حجج الله علی العبادف شیخ مفید، ج اول، ص ۱۷ - ۲۷، منتهی الآمال، محدث قمی، ج اول، ص ۳۴۲ - ۳۴۳.

۳۰. مشهد الامام علی فی النجف، ماهر سعاد، طبع دار المعارف مصر، ص ۱۲۱ - ۱۲۷.
۳۱. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۰۹.
۳۲. الذریعه، ج ۱۴، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.
۳۳. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ص ۵۶.
۳۴. الذریعه، ج ۷، ص ۱۰۹ - ۱۰، طبقات اعلام الشیعه، ج ۳، ص ۹۳.
۳۵. الذریعه، ج اول، ص ۱۲۶، و ۱۲۷ و ۱۲۸.
۳۶. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۰۵، طبقات اعلام الشیعه ح ۳، ص ۱۹۰.
۳۷. تلخیص معجم الالقاب، این قوطی بغدادی، ج ۴، ص ۱۱۹۴، الحوادث الجامعه، همان مولف، ص ۴۸۰.
۳۸. نامه دانشوران نامه ی، گروهی از نویسندگان، طبع دار الفکر قم، ج اول، ص ۷۸۵، نجف کانون تشیع، سید محمد گلاب گیر و دیگران، ص ۱۵۲.
۳۹. ریاض العلماء، ج ۳، ص ۲۰۸، رجال ابن داود، ص ۲۲۶.
۴۰. تاریخ الحله، ح ۲، ص ۳۰، سیمای حله، ص ۱۱۲ - ۱۱۳.